

مطالعه توسعه صنعتی منطقه زاگرس (همدان، لرستان، کرمانشاه، کردستان و ایلام)

مجری طرح: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

مدیر مسئول طرح: دکتر علی محمد احمدی

کارفرما: مدیریت برنامه ریزی وزارت صنایع و معادن

سال خاتمه: ۱۳۸۱

خلاصه‌ای از کلیات و نتایج طرح:

این تحقیق که در ادامه مباحث مربوط به جلد اول آن تهیه و تنظیم گردیده است و شامل فصول ۲ تا ۸ می‌باشد. در فصل دوم این تحقیق که به تحلیلی از عملکرد مدیریت بخش صنعت در منطقه می‌پردازد، ابتدا نهادهای صنعتی موجود و موثر در مدیریت بخش صنعت معرفی و اهداف و وظایف آنها تشریح می‌گردد و بالاخره با تعریف شاخص‌هایی مانند برنامه‌ریزی، بستر سازی و نظارت عملکرد آنها ارزیابی می‌شود، و در آخر موانع و محدودیت‌های مدیریت بخش صنعت منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل سوم به بررسی تحولات در شکل‌گیری تشکلهای صنعتی در منطقه پرداخته شده و از آنجائیکه تشکلهای صنعتی منطقه در ۳ گروه مختلف شامل مراکز تحقیقاتی، خدمات مهندسی و اتحادیه‌ها و سازمانهای غیردولتی طبقه‌بندی می‌شوند، لذا در این فصل سعی بر آن است که اهم این تشکلهای و اهداف و وظایف آنها معرفی شده و کم و کیف آنها در منطقه زاگرس مورد بررسی قرار گیرد و در آخر نیز به محدودیتها و موانع این تشکلهای پرداخته شده است.

در فصل چهارم و بمنظور بررسی میزان ارتباط برون بخشی صنعت با سایر بخشهای اقتصادی، یعنی خدمات، کشاورزی و معدن از روش جدول داده-ستانده (IO) استفاده شده و بدین ترتیب مقادیر کمی مبادلات بین بخشهای اقتصادی در مناطق مورد بررسی، محاسبه و تعیین گردیده است و بر اساس این مقادیر، به تجزیه و تحلیل شرایط و ویژگیهای بخشهای اقتصادی منطقه، بخصوص بخش صنعت پرداخته می‌شود و در نهایت راهکارهایی در جهت بهبود شرایط، وضعیت صنایع در استانهای منطقه زاگرس ارائه می‌گردد.

در فصل پنجم و بمنظور بررسی بازار محصولات صنعتی منطقه با زیربخشهای بازار منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی سعی شده بازار فروش محصولات صنعتی استانهای منطقه در سطح منطقه، کشور و جهان ارزیابی شود و در آخر موانع و محدودیت‌های ورود محصولات صنعتی منطقه به بازارهای ملی و بین‌المللی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در پایان این فصل اقداماتی جهت صادرکنندگان کل کشور که بالطبع شامل صادرکنندگان منطقه هم می‌شود ارائه شده که این اقدامات بشرح زیر می‌باشد:

۱- برقراری جوایز ارزی و ریالی برای صادرکنندگان کالاهای صنعتی. این اقدام سال گذشته برای صادر

کنندگان کالاهای نساجی و پوشاک انجام گرفته و لازم است برای سایر صادرکنندگان نیز انجام گیرد؛

- ۲- گسترش شبکه بانکی کشور در بازارهای صادراتی خصوصا آسیای میانه؛
- ۳- توجه به امر بسته‌بندی محصولات صادراتی از طریق تخصیص اعتبار ارزی و ریالی لازم جهت خرید ماشین‌آلات بسته‌بندی به منظور کاهش ضایعات و افزایش ارزش افزوده کالاهای صادراتی؛
- ۴- اعطای اعتبار میان‌مدت و بلندمدت به خریداران کالاهای ایرانی؛
- ۵- کاهش هزینه‌های تولید از طریق اعطای معافیت سود بازرگانی کالاهای وارداتی از محل صادرات؛
- ۶- تقویت تشکل‌های صادراتی و واگذاری مسئولیت‌های اجرایی به آنها؛
- ۷- حمایت‌های همه جانبه از واحدهایی که توانایی صدور محصولات خود را دارند و تلاش در جهت اخذ اعتبارات ویژه برای صادرات؛

فصل ششم این تحقیق به تحلیلی از عملکرد صنعتی منطقه و تعیین جایگاه آن در اقتصاد کشور می‌پردازد. روش انتخاب شده برای این مطالعه توصیفی و تحلیلی است. داده‌های آماری مطالعه بطور عمده مبتنی بر انتشارات رسمی سازمان‌های دولتی می‌باشد. در این مطالعه برای سنجش عملکرد بخش به شاخص‌های ارزش افزوده، مقدار تولید محصولات صنعتی، اشتغال، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری توجه شده است.

در فصل هفتم به بررسی و ارزیابی سیاست‌های توسعه صنعتی گذشته منطقه پرداخته می‌شود و انواع استراتژی‌های توسعه صنعتی که شامل استراتژی‌های سرمایه‌بر (CAPITAL INSENTIVE)، استراتژی کاربر (LABOR INSENTIVE) و استراتژی صنایع پایه و اساسی، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده از این فصل حاکی از آنست که در کل سیاست‌های توسعه صنعتی در سطح ملی در دهه‌های گذشته به دلیل عدم توجه کافی به توسعه منطقه‌ای، مزیت‌های نسبی مناطق، عدم شناخت کافی از وضعیت موجود صنایع مناطق و ... نتوانستند گرهی از مشکلات و عقب‌ماندگی‌های صنعتی منطقه مورد مطالعه ما بکشایند. و نهایتاً در فصل هشتم این تحقیق سعی شده که در ابتدا به تدوین چارچوب برنامه استراتژیک و استراتژی توسعه صنعتی پرداخته شود و اهداف این استراتژی‌ها مورد بررسی قرار گیرد. در قسمت بعدی تنگنای فراروی تحقق این اهداف به تفصیل مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در آخر سیاست‌های اجرایی لازم جهت رسیدن به این اهداف ارائه شده است.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که این منطقه در زمینه‌های متعددی از جمله صنایع تبدیلی کشاورزی، کانی غیرفلزی و مواد شیمیایی دارای استعدادها و مزیت‌های درخشانی می‌باشد و می‌توان با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و همه‌سو نگر به امید صنعتی شدن این منطقه نشست. ولی این برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در خلا صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف خود می‌باشد و فقط نمی‌توان با شعار صنعتی شدن به صنعتی شدن این منطقه امیدوار بود. همانطور که قبلاً اشاره شد امروزه در تئوری‌های توسعه شعارها عوض شده‌اند و فقر مناطق و کشورها را نه در فقر منابع بلکه در فقر سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها می‌دانند.